

Reciprocal contracts lead to the transfer of technology to developing countries, then to develop oil and gas fields and expand investment in this area, the Ministry of Oil and Gas has no choice but to conclude reciprocal contracts with other governments and foreign private companies. According to Iranian law, because oil and gas resources are part of public wealth, the right to sovereignty over resources is the responsibility of the Iranian government, so it is concluded through the method of reciprocal sale. Therefore, with the analytical-descriptive method and in the form of a library, we try to examine the reciprocal sales contracts related to the oil and gas industry in order to make the necessary structural adjustments and adjustments to achieve optimal conditions and mechanisms. Research shows. Due to the nature of the laws of the Islamic Republic of Iran, reciprocal sale agreements are appropriate and thus neither the oil and gas industry is dominated by foreigners nor the government loses its dominance over oil and gas resources. The interests of both parties to the contract are secured. In the present study, we will explore these contracts and provide solutions for concluding cross-selling agreements as well as possible, including the enactment of new laws in accordance with current conditions and legal-commercial principles.

قرارداد بیع متقابل در صنعت نفت - گاز و نقش آن در سیاست گذاری های ایران

فرزاد کریمی خنجری^۱سید ابودر فلسفی زاده حقیقی^۲مهدی مددی^۳سینا نوروزعلی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۱۹

چکیده

قرارداد های بیع متقابل باعث انتقال تکنولوژی به کشورهای در حال توسعه می شود، سپس برای توسعه میداین نفت و گاز و گسترش سرمایه گذاری در این حوزه وزارت نفت و گاز چاره ای جز انعقاد قراردادهای بیع متقابل با سایر دولت ها و شرکت های خصوصی خارجی ندارد. بر اساس قوانین ایران چون منابع نفت و گاز جزء ثروت های عمومی محسوب می شود، حق حاکمیت بر منابع بر عهده حکومت ایران می باشد به همین جهت از روش بیع متقابل منعقد میگردد. فلذا با روش تحلیلی - توصیفی و به صورت کتابخانه ای سعی داریم قراردادهای بیع متقابل در ارتباط با صنعت نفت و گاز را در جهت انجام اصلاحات و تعدیلات ساختاری لازم برای رسیدن به شرایط و ساز و کارهای بهینه مورد بررسی قرار دهیم. تحقیقات نشان می دهد که با توجه به ماهیت قوانین جمهوری اسلامی ایران، قراردادهای بیع متقابل مناسب بوده و از این طریق نه تسلطی بر صنعت نفت و گاز از طرف خارجیان صورت می گیرد و نه حکومت تسلط خود را بر منابع نفت و گاز از دست می دهد از این طریق منافع دو طرف قرارداد تامین می گردد. در پژوهش حاضر این قراردادها را مورد کنکاش قرار داده و راه کارهایی برای انعقاد هر چه بهتر قراردادهای بیع متقابل ارائه خواهیم داد که از جمله آنها وضع قوانین جدید متناسب با شرایط امروزی و اصول حقوقی - تجاری می باشد.

کلمات کلیدی: بیع متقابل، نفت، گاز، سیاست گذاری، ایران.

^۱دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز نویسنده مسئول : Farzad.karimi.khanjari73@gmail.com

^۲دکتری حقوق عمومی دانشگاه شهید بهشتی

^۳کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه کاشان

^۴کارشناسی ارشد گروه مدیریت مالی، گرایش مهندسی مالی و مدیریت ریسک، دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی

روش بیع متقابل در ابتدا توسط کشورهای سوسیالیستی مورد استفاده قرار گرفت تا به فناوری کشورهای صنعتی راه پیدا کنند و بتوانند با کشورهای صنعتی روابط اقتصادی داشته باشند که نمونه مهم آن را می توان بین روسیه و کشورهای شرقی اروپا و چین با کشورهای صنعتی مشاهده کرد (Hennart, 1990, p 259) در دنیای کنونی این روش منحصر به این کشورها نمی باشد و کشورهای پیشرفته و صنعتی هم قدم در این راه گذاشته اند. حتی بعد از فروپاشی شوروی، اهمیت بیع متقابل در بین بلوک های سابق شوروی دوچندان شد. (International Trade Finance, 1989, p 4) از جمله مهم ترین قراردادهای بیع متقابل قراردادی است که بین یک کنسرسیوم تشکیل شده از شرکتهای فرانسوی، ایتالیایی، انگلیسی و آلمانی منعقد شد. طبق این قرارداد، کنسرسیوم می بایست از سبیری خط لوله گازی را به اروپا بکشد و موافقت نماید تا گازی را که از این خط لوله به اروپا می رسد بازخیرد کرده و هزینه های خود را از آن طریق مستهلک نماید. (Forker, 1990, p 13)

ایران از بیع متقابل برای توسعه صنایع نفت و گاز خود بهره برد و تعدا زیادی از سرمایه گذاران خارجی بالغ بر میلیاردها دلار از طریق بیع متقابل در میداین نفت و گاز وارد کشور شدند. در این نوع از بیع متقابل سرمایه گذار خارجی متعهد می شود که یک میدان نفتی یا گازی را با تأمین منابع چه از نظر مالی و چه فنی توسعه دهد. هزینه های سرمایه گذار و سود آن از طریق فروش بخشی از نفت یا گاز مطابق قرارداد تأمین می گردد. (Shiravi and Ebrahimi, 2006, p 201)

لذا سوال تحقیق این می باشد که قراردادهای بیع متقابل ایران با سایر دول در حوزه نفت و گاز دارای چه ویژگی هایی می باشند و چگونه می توان آنان را اصلاح کرد؟ فرضیه ما این است که قراردادهای بیع متقابل ایران بر اساس حاکمیت مطلق دولت ایران بر صنعت نفت و گاز منعقد می شوند و تنها از طریق اصلاح قانون می توان بر ایرادات آن فائق آمد. لذا ابتدا مفهوم قراردادهای خارجی را مورد بررسی قرار داده و سپس ماهیت آنها را از منظر حقوق ایران و قانون اساسی مورد توجه قرار خواهیم داد و سپس قرارداد بیع متقابل برای اکتشاف میداین نفت و گاز و موازین قانونی و ویژگی های آن را مورد بررسی قرار خواهیم داد. سپس قراردادهای بیع متقابل نفت و گاز مرتبط با قراردادهای اکتشافی، موازین قانونی و ویژگی های قراردادهای توأم اکتشاف و توسعه و قراردادهای بیع متقابل نفت و گاز مرتبط با قراردادهای توأم اکتشاف و توسعه را بحث خواهیم نمود و در پایان پیشنهاداتی به وزارت نفت جهت بهبود و اصلاح قراردادهای بیع متقابل نفت و گاز خواهیم داد و در پایان از مباحث طرح شده هم نتیجه گیری خواهیم نمود.

۱- مفهوم قراردادهای بیع متقابل

در قراردادهای بیع متقابل، کالا و خدمات صادر شده و کالاهایی که متقابلا خرید می شوند در یک فرایند تولیدی به یکدیگر مرتبط هستند. در این قراردادها، یک شرکت خارجی متعهد می شود تا از طریق عرضه مواد لازم، و ارائه اصول فنی و کمک های مالی به کشور وارد کننده کمک کند تا یک واحد تجاری و تولیدی را راه اندازی کند و در

مقابل موافقت می کند تا هزینه خود را از طریق بازخرید محصولات حاصل از بار تازه مورد نظر مستهلک نماید. تسهیلات و امکانات گوناگونی ممکن است موضوع قراردادهای بیع متقابل قرار گیرند که از جمله مهم ترین آنها در صنعت نفت و گاز می باشد. این تسهیلات ممکن است جهت تأسیس یک پالایشگاه، بازسازی پروژه تجاری بین المللی مرتبط با نفت و گاز، استخراج از چاه های نفت و گاز، راه اندازی و توسعه لوله های نفت و گاز و غیره به کار گرفته شود. (شیروی، ۱۳۹۴، ص ۱۳۹۴)

بیع متقابل معمولاً برای ایجاد، توسعه و راه اندازی پروژه های سنگین و گران قیمت مورد استفاده قرار می گیرد. در مقایسه با خرید متقابل، قیمت این پروژه ها معمولاً خیلی زیاد است که ممکن است به صدها میلیون دلار برسد. (OECE, 1981, p 23) قراردادهای بیع متقابل که در مورد نفت و گاز بین شرکتهای خارجی و ایران منعقد می شود، نشان دهنده بزرگ بودن حجم پروژه ها می باشد چراکه مبالغ آن از صدها میلیون دلار فراتر می رود. (شیروی، ۱۳۹۴، صص ۳۴۴ و ۳۴۵).

بیع متقابل معمولاً متشکل از دو قرارداد است. در قرارداد اول صادر کننده متعهد می شود که خدماتی را در مقابل ثمن مشخصی جهت توسعه یک واحد تجاری ارائه نماید. ثمن نیز ممکن است توسط صادر کننده و یا وام تأمین شود. در قرارداد دوم صادر کننده تعهد می کند که بخشی از محصولات تولیدی را بازخرید نماید. بنابراین، از منظر حقوقی محصولات باز خرید شده، ثمن محسوب نمی شود. (Mcvey, 1980, p 202)

۲- ماهیت قرارداد بیع متقابل نفت در حقوق ایران

در اواخر جنگ، در تاریخ نهم مهرماه سال ۱۳۶۶، قانون نفت مجدداً عوض شد و اینبار شرایط برای سرمایه گذاری خارجی در صنعت نفت غیر ممکن گردید. ماده ۶ قانون جدید هرگونه سرمایه گذاری خارجی در صنعت نفت را ممنوع اعلام کرد. وفق ماده ۶ این قانون تمامی سرمایه گذاری ها باید بر اساس بودجه واحدهای عملیاتی مطابق پیه شهادت وزارت نفت و آن هم بعد از تصویب مجمع عمومی در بودجه کشوری لحاظ شود. همچنین در این مورد سرمایه گذاری خارجی ها ممکن نیست (پیران، ۱۳۹۳، صص ۵۵ و ۵۶) در واقع طبق این قانون منابع نفت کشور جزء انفال و ثروت های عمومی است و اعمال حاکمیت بر منابع و تأسیسات نفتی به حکومت اسلامی تعلق دارد که مطابق قانون مربوطه به عهده وزارت نفت است. هرچند در ماده ۵ این قانون به وزارت نفت و شرکت های وابسته به آن مانند شرکت ملی نفت ایران اجازه می دهد تا با افراد با شرکت های داخلی یا خارجی برای اعمال پروژه های نفت و گاز با تصویب مجلس شورای اسلامی قرارداد منعقد کنند. (سراج، ۱۳۸۸، ص ۶۰)

بنا بر ماده ۱۲ همین قانون، «هرگونه قوانین مغایر با این قانون ملغی است». بدین ترتیب، هرگونه سرمایه گذاری جدید در صنعت نفت صرفاً از محل بودجه عمومی دولتی ممکن بود. طبعاً این روش بسیار سخت گیرانه و انزواطلبانه در خصوص صنعت عظیم نفت که همواره محتاج مبالغ عظیمی سرمایه است قابل اعمال نبود. بودجه عمومی دولت و درآمدهای ارزی ایران به هیچ وجه برای سرمایه گذاریهای بزرگ و پرهزینه که از مختصات صنعت نفت و گاز است کافی نبود. به همین علت در قوانین بودجه که در سالهای بعد مورد تصویب قرار می گرفت، امکان جذب سرمایه گذاری خارجی مجدداً پیش بینی شد. در سال ۱۳۶۹، برنامه اول پنج طسساله کشور به دولت اجازه

داد تا سقف ده میلیارد دلار بصورت تعهد متقابل برای نیازهای صنعت و معدن تعهد قبول کند. در برنامه پنج ساله دوم صراحتاً اجازه معاملات بیع متقابل را برای رفع نیازهای صنعت و معدن صادر شد. برنامه های بودجه آتی نیز در اجرای برنامه پنجساله اجازه قبول تعهدات بصورت بیع متقابل را می دادند. لذا پس از انقلاب اسلامی، بدلیل محدودیت های قانونی و عملی، الگوی بیع متقابل در قراردادهای نفتی برای جذب سرمایه خارجی رایج گشت. در قیاس با نسل های مختلف قراردادهای سرمایه گذاری خارجی در صنعت نفت، بیع متقابل بیش از همه به قراردادهای خدمت شباهت دارد. بیع متقابل معمولاً مختص به کشورهایی است که راه را بر هرگونه سرمایه گذاری مستقیم خارجی در اقتصاد یا بخشی از اقتصاد مسدود می کنند. به معنای دیگر، دور زدن قوانین محدود کننده سرمایه گذاری است تا هم سرمایه لازم کسب شود و هم محدودیت های قانونی رعایت شده باشد. البته قانون حمایت و تشویق سرمایه گذاری خارجی که در سال ۱۳۸۱ تصویب شد و آیین نامه اجرایی آن، صراحتاً بیع متقابل را سرمایه گذاری خارجی محسوب می کند. در اینگونه قراردادها طرف خارجی نوعی پیمانکار است که در پروژه ای سرمایه گذاری می کند و سپس از محل تولیدات آن پروژه، اصل سرمایه به اضافه بهره مناسبی برداشت می نماید. پیمانکار در ابتدای کار نقش سرمایه گذار مستقیم را بازی می کند و هزینه های مالی پروژه را تأمین کرده و کلیه امور طراحی، اکتشاف، مهندسی و تأمین تجهیزات لازم را رأساً بعهده می گیرد. طرف داخلی که معمولاً یک شرکت دولتی است، بیشتر نقش نظارتی دارد و در شرایط مطلوب انتقال تکنولوژی نیز همراه با پروژه بعمل می آید. پس از پایان پروژه و راه اندازی آن، کلیه هزینه های پیمانکار از محل فروش محصولات مستهلک می شود. بدیهی است سود مناسبی نیز به وی تعلق می گیرد. در ایران بعد از انقلاب، طبعاً با توجه به نگرش منفی سیاسی و قانونی نسبت به سرمایه گذاری مستقیم خارجی در صنعت نفت، راه دیگری جز تو سل به مدل بیع متقابل نبود. همانگونه که قبلاً خاطرنشان شد، صنعت نفت و گاز اولین بخش از اقتصاد ایران بودند که به این روش روی آوردند. به دلیل محرمانه بودن قراردادها، اطلاعات دقیقی از سرمایه گذاری هایی که با این روش بعمل آمده و جزئیات قراردادها در دست نیست. بنا بر اطلاعات رسانه ها، در سال ۱۳۷۶ کنسرسیومی متشکل از توتال فرانسه و گاز پروم روسیه و پتروناس مالزی قراردادی به ارزش ۲ میلیارد دلار برای توسعه میدان گاز پارس جنوبی با ایران به امضا رساندند. پارس جنوبی بزرگ ترین میدان گازی مستقل جهان بوده و بین ایران و قطر مشترک است. پیش از این قرارداد، توسعه میداین نفتی سیری نیز به روش بیع متقابل عمل شده بود. (پیران، ۱۳۹۳، صص ۵۵ و ۵۶)

یکی از ویژگی های این رشته از قراردادها، که آنها را از دیگر قراردادهای متعارف مورد استفاده در بخش نفت و گاز (قراردادهای امتیازی و مشارکت در تولید متمایز می کند، « مالکیت مخزن و مالکیت تولید نفت گاز تو سل کشور میزبان در کلیه ی سال های عمر مخزن » است. بر اساس این گونه قراردادهای پیمانکار هیچ گونه حقی در رابطه با مالکیت مخزن و تولیدات مخزن نخواهد داشت و تنها با توافق طرفین قرارداد (کشور شرکت میزبان و پیمانکار)، بخشی از محصول محصولات تولیدی می تواند در راستای بازپرداخت هزینه های طرح به پیمانکار داده شود. در این گونه قراردادهای بازپرداخت وجوه به صورت نقدی و غیرنقدی امکان پذیر است. در طرح های بیع متقابل نفتی و گازی، معمولاً بازپرداخت اصل تسهیلات و سود سرمایه گذاری پس از بهره برداری طرح و آغاز تولید انجام می شود و از محل تحویل نفت خام، گاز و سایر محصولات تولیدی با درآمدهای حاصل از فروش این محصولات

تأمین می گردد. به طور کلی، این روش تأمین مالی برای انجام طرح هایی که به منابع مالی زیادی احتیاج داشته و از پیچیدگی اجرایی، فنی و مدیریتی و ریسک بالایی برخوردارند، مورد استفاده قرار می گیرد. در این روش، عموماً نرخ هزینه سرمایه در مقایسه با روش تأمین مالی از طریق اخذ وام، بالاتر است. قراردادهای خدماتی بیع متقابل عمدتاً در صنایع بالادستی نفت و گاز فعالیت های توسعه ای (مورد استفاده قرار می گیرند. در چارچوب قرارداد بیع متقابل یک طرح تفتی با گازی، پیمانکار مسئولیت کلیه عملیات توسعه را برعهده گرفته و کلیه هزینه های طرح طی دوره عملیات توسعه، شامل هزینه های سرمایه ای (Capex)^۱، هزینه های غیر سرمایه ای (Non - Capex)^۲، هزینه های عملیاتی (Opex)^۳ مرتبط با عملیات توسعه در دوران محدود و بسیار کوتاه راه اندازی طرح، و همچنین هزینه های تأمین مالی را متقبل خواهد شد. (خالقی، ۱۳۹۶)

۳- قرارداد بیع متقابل در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

به دلیل حمایت از منابع ملی، قانون اساسی محدودیت های بسیاری را برای سرمایه گذاران خارجی قائل شده است، مانند اصول ۴۴، ۷۷، ۸۱، ۱۲۵ و ۱۳۹ قانون اساسی.

مطابق ماده ۸۱ قانون اساسی دادن امتیاز تشکیل شرکت ها و موسسات در امور کشاورزی، معادن، صنعتی، تجاری و خدمات به خارجیان ممنوع می باشد. در سال ۱۳۶۰ نخست وزیر وقت، از شورای نگهبان درخواست کرد تا اصل مزبور را تفسیر نماید. شورای نگهبان پاسخ داد: شرکت های خارجی که با دستگاه های دولتی قراردادی منعقد می کنند، می توانند جهت انجام امور قانونی و فعالیت های خود در حدود قرارداد های منعقد طبق ماده ۳ قانون ثبت شرکت ها به ثبت شعب خود در ایران مبادرت نمایند و این موضوع مغایرتی با اصل ۸۱ قانون اساسی ندارد. (مجموعه نظریات شورای نگهبان، ۱۳۸۱، صص ۴۲-۴۳) به نظر می رسد که مقصود از امتیاز دادن و تشکیل شرکت ها به خارجیان، آن موسسات و شرکت هایی است که در ایران تشکیل شده و اکثر سهام آنان مربوط به شرکت های بیگانه و یا اتباع خارجی می باشد و اختیار تصمیم گیری در مورد آنان را نیز داشته باشند. (صفایی، ۱۳۹۳، ص ۲۶۷).

مطابق ماده ۷۷ قانون اساسی عهدنامه ها، مقاوله نامه ها، قراردادها و موافقتنامه های بین المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

شورای نگهبان در مورد تصویب قراردادهای بین‌المللی و لزوم آن نظری ارائه نموده است. برای مثال در مورد موافقت نامه همکاری فنی بین لیبی و ایران نظر داده است که قراردادهایی که بر مبنای موافقت نامه منعقد می‌شوند مطابق ماده ۷۷ قانون اساسی باید به تصویب مجلس برسند. (صالحی، ۱۳۹۵، ص ۴۱)

استدلال شورای نگهبان که این قراردادها بین‌المللی نمی‌باشد، نمی‌تواند مبنای قرار گیرد چون این قراردادها از مصادیق بارز قراردادهای بین‌المللی بوده و محتملاً منظور شورای نگهبان می‌تواند این موضوع باشد که این گونه قراردادها معاهده بین‌المللی به شمار نمی‌آیند. اما طبق کنوانسیون‌های ۱۶۶۹ و ۱۹۸۶ وین و عرف بین‌المللی تنها توافق‌های به عمل آمده میان تابعان مستقیم حقوق بین‌الملل، یعنی کشورها و سازمان‌های بین‌المللی، معاهده بین‌المللی محسوب می‌شود لذا دیگر پیمان‌ها از جمله قرارداد های نفتی، به دلیل آن که یکی از طرفین فاقد شخصیت حقوق بین‌الملل است، از مصادیق قرارداد بین‌المللی نبوده و از آثار و احکام آن نیز برخوردار نخواهند بود. (انصاری، ۱۳۹۲، ص ۱۰۸)

قراردادهای بیع متقابل که بین شرکت ملی نفت با یک طرف خارجی منعقد می‌شود، نیازی به تصویب مجلس ندارد، زیرا موضوع بیع متقابل تابع حقوق بین‌الملل عمومی نبوده و موضوع آن تجاری می‌باشد و تابع قواعد عمومی قراردادها می‌تواند قلمداد شود. در حقیقت باید گفت که اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی اعمالی از دولت را دربر می‌گیرد که دولت در مقام یک قدرت عمومی و سیاسی انجام می‌دهد و در اصطلاح به آنها اعمال حاکمیتی گفته می‌شود. در مقابل گاهی دولت حسب اقتضا در لباس یک تاجر ظاهر می‌شود و در اصطلاح اعمال تصدی‌گری را انجام می‌دهد که به نظر می‌رسد اصل ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی منصرف از این اعمال باشد. بر اساس اصل مذکور، بخش دولتی محور اقتصاد ایران را تشکیل می‌دهد. بنابر این واگذاری بسیاری از بخش‌های دولتی از جمله صنایع بزرگ به بخش خصوصی در تضاد و تناقض آشکار با اصل ۴۴ قانون اساسی است. لذا حکومت اسلامی تنها مرجعی است که حق برداشت از نفت و گاز را به هر نحو که صلاح بداند، دارد. این اصل از قانون اساسی امکان هر گونه سرمایه‌گذاری مستقیم در بخش نفت و گاز را غیرقابل قبول دانسته است. در بند ۲ سیاست‌های کلی نظام، ورود بخش‌های غیردولتی، تعاونی و خصوصی در بخش بزرگی از شرکت‌ها و موسسات دولتی مجاز شد. با این حال در بند الف ماده ۲ سیاست‌های کلی نظام، صنایع بالادستی نفت و گاز از شمول این بند استثناء شده است. علت این امر را باید ماده ۲ قانون نفت ۱۳۶۶ باید دانست، چرا که مطابق این ماده منابع نفت کشور جز ثروت‌های عمومی و انفال بوده و مطابق اصل ۴۵ قانون اساسی در اختیار حکومت اسلامی می‌باشد. بر این اساس هر گونه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی که متضمن حضور سرمایه‌گذار بیگانه به همراه مالکیت بر منافع تاسیسات و تجهیزات باشد، منع شده است و تنها خرید خدمت مجاز می‌باشد. بدین ترتیب ماده ۲ مذکور قراردادهای بیع متقابل را که نوعی قرارداد خرید خدمت است را نفی نمی‌کند. (صالحی، ۱۳۹۵، صص ۴۲ و ۴۳)

در قراردادهای بای بک برای اکتشاف، شرکت نفتی خارجی به عنوان یک پیمانکار عمل نموده و شعبه ای در ایران جهت رعایت الزامات قانونی برای فعالیت شرکت های خارجی در ایران ثبت می نماید. سپس مطابق توافق و قرارداد، شرکت خارجی همه سرمایه ی لازم را به منظور انجام فعالیت های اکتشافی به عهده گرفته و تامین می نماید و فعالیت های لازم مرتبط با عملیات اکتشاف را انجام می دهد. در پایان عملیات اکتشاف، عملیات توسط شرکت ملی نفت ایران یا تجاری اعلام می گردد، یا غیر تجاری. اگر عملیات غیر تجاری اعلام گردد، قرارداد خاتمه یافته و همه ریسکها و هزینه ها برطرف خارجی تحمیل می گردد. در فرض اکتشاف تجاری نفت، شرکت ملی نفت ایران و شرکت خارجی باید به منظور انعقاد قرارداد برای فاز بعد، که همان توسعه میدان کشف شده می باشد، وارد مذاکره گردند. (سراج، ۱۳۸۸، صص ۶۲-۶۳)

شرکت خارجی که عملیات اکتشاف را انجام داده است، صرفاً حق نخستین مذاکره را با شرکت ملی نفت ایران دارا می باشد و در واقع قرارداد اولیه اکتشاف ضرورتاً به قرارداد توسعه منتهی نمی شود، حتی در صورتی که نفت به میزان تجاری کشف شود. (Bindemann, 1999, p 78 - 79) اگر طرفین به توافق رسیدند، قرارداد توسعه میدان نیز بین آنها منعقد می گردد و پرداخت هزینه های اکتشاف حق الزحمه تعیین شده به صورت اقساط با شروع تولید پرداخت می شود. در غیر این صورت قرارداد توسعه پس از انجام مراحل مناقصه با شرکت خارجی دیگری منعقد و پس شروع تولید، هزینه های هر دو شرکت طبق فرمولی مشخص پرداخت می گردد. پرداخت به شرکت اول یا به وسیله شرکت نفتی خارجی دوم که قرار داد برای توسعه میدان کشف شده را منعقد کرده است، انجام می پذیرد به این صورت که شرکت دوم ملزم به واگذاری ۳۰ درصد از سهام مشارکت به شرکت اولی خواهد بود که اگر او بپذیرد پرداخت هزینه ها و حق الزحمه توسط او صورت می گیرد. (شرکت خارج دومی که چنین پرداختی را از سوی شرکت ملی نفت ایران انجام می دهد به نوبه خود مستحق باز پرداخت این مبالغ و سایر هزینه هایش و سود معین، مطابق با توافقات بینشان می باشد) (Prespective, 2007, p 10) یا مستقیماً به وسیله شرکت ملی نفت ایران پرداختها صورت می گیرد و این در صورتی است که شرکت اول ۳۰ درصد مذکور را نپذیرد. (سراج، ۱۳۸۸، ص ۶۳)

۵- موازین قانونی و ویژگی های قراردادهای اکتشافی بیع متقابل

نخستین چارچوب قانونی مرتبط با بهره گیری از قراردادهای بیع متقابل، در تبصره ۲۹ قانون برنامه ی اول توسعه ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۱ بهمن ۱۳۶۸ تعریف شده است. در بند «ح» این تبصره به شرکت ملی نفت ایران اجازه عقد قرارداد بیع متقابل به منظور بهره برداری از میداین گازی پارس و پارس جنوبی به شرح زیر داده شده است:

«به شرکت ملی نفت ایران اجازه و اختیار داده می شود به منظور تأمین گاز مورد نیاز برای مصارف داخلی، خارجی، صادرات و بهره برداری از میداین گازی پارس جنوبی و پارس که با قطر مشترک می باشد، با ضمانت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، قراردادهای با شرکت های خارجی را تا میزان سه میلیارد و دویست

میلیون دلار منعقد نماید، طوری که بازپرداخت هزینه های سرمایه گذاری، از محل تولیدات میداین صورت گیرد.»

در بند (ی) اشاره شده است که دولت اجازه دارد برای تامین نیاز بخش های معدن و نفت در مورد صادرات و تولید و سرمایه گذاری های لازمه، از طریق بیع متقابل تا ده میلیارد دلار اقدامات لازم را انجام دهند و دستگاه های اجرایی دولتی و بانک مرکزی با ارائه ضمانت نامه ها، این بند را اجرا خواهند نمود.

انجام فعالیت های اکتشافی در صنعت نفت ایران بر اساس روش «قراردادهای خدماتی کاملاً خطر پذیر» تنظیم می شود. در این روش، تمامی ریسک فعالیت های اکتشافی برعهده ی پیمانکار است. در این گونه قراردادهای، پس از انجام کلیه فعالیت های اکتشافی، در صورت عدم دستیابی پیمانکار به سطح قابل قبولی از ذخایر نفت و گاز که تولید آن از نظر اقتصادی قابل توجیه باشد، قرارداد منعقد شده به دلیل عدم موفقیت پیمانکار در فعالیتهای اکتشافی خاتمه می یابد. در این شرایط، پیمانکار هیچ گونه حقی در مورد جبران هزینه های انجام شده نخواهد داشت. اما در صورت موفقیت فعالیت های اکتشافی و دستیابی به ذخایر نفت و گاز در مقیاس اقتصادی، بازپرداخت هزینه های اکتشافی به انضمام کلیه هزینه های مربوط به دستمزد، پاداش توسط کارفرما به پیمانکار پرداخت خواهد شد. (خالقی، ۱۳۹۶، ص ۳۹)

در راستای انجام فعالیت های توسعه ای یک میدان، که تجاری بودن آن به اثبات رسیده است، طرفین پیمانکار بخش اکتشاف و کارفرما در مورد انجام طرح توسعه ی میدان و شرایط انجام فعالیت ها، مذاکره خواهند نمود. در صورتی که مذاکرات، موفقیت آمیز باشد و توافق بین طرفین حاصل شود، قرارداد توسعه (بر اساس فرم پیوست قرارداد اکتشاف) بین طرفین امضا خواهد شد. در صورتی که طرفین طی مدت ۶ ماه پس از اثبات تجاری شدن میدان، در مورد انجام فعالیت های توسعه ای و طرح جامع توسعه (MDP) به توافق نرسند، شرکت ملی نفت ایران به عنوان کارفرما، می تواند در شرایط رقابتی، پیمانکار اکتشافی و نیز سایر پیمانکاران را برای ارائه ی طرح توسعه ی میدان، دعوت به همکاری نماید. در صورت انتخاب پیمانکار اکتشافی به عنوان پیمانکار مرحله ی توسعه ی میدان، کلیه ی هزینه های مربوط به فعالیتهای مرتبط با اکتشاف و توصیف میدان، بر اساس شرایط مندرج در قرارداد توسعه، به پیمانکار پرداخت خواهد شد. در صورت عدم موفقیت پیمانکار اکتشافی در کسب اجازه برای انجام فعالیت های توسعه ای میدان، و انتخاب پیمانکار دیگری برای انجام این فعالیت ها، شرکت ملی نفت ایران ترتیباتی را به منظور مشارکت پیمانکار اکتشافی در فعالیت های توسعه ای به میزان ۳۰ درصد فراهم خواهد نمود.

۶- قراردادهای بیع متقابل نفت و گاز مرتبط با قراردادهای اکتشافی

با اواسط دهه ی ۱۳۸۰، بیش از یک دهه از کاربرد قراردادهای بیع متقابل در صنعت نفت و گاز ایران گذشته است. طی این دوران، اگرچه تعدیلاتی در متن قراردادهای منعقد (با توجه به تجربیات قبلی) انجام پذیرفته

است، اما در اواسط دهه ی ۱۳۸۰، با توجه به انتقادات قابل ملاحظه ای که از سوی شرکتهای پیمانکار، کار شنا سان و گروه های مختلف در مورد این گونه طرح ها در سمینارها، مطبوعات، و جلسات مختلف ارائه شده بود، برر سی دامنه داری در مورد چگونگی اشکالات و انتقادات وارده بر این گونه طرح ها توسط «دفتر فناوری های ریاست جمهوری» در قالب یک طرح پژوهشی آغاز شد. (خالقی، ۱۳۹۶، ص ۵۱) نتایج این برر سی نشان می دهد که می توان با انجام تمهیداتی، شرایط قراردادهای بیع متقابل را بهبود بخشید و ضمن تأمین منافع ملی، زمینه ی مناسب برای حضور بیشتر شرکت های بین المللی را در طرح های نفت و گاز کشور، از طریق انعقاد قراردادهای بیع متقابل فراهم نمود. این واقعیت که در آینده، توسعه ی میدانی پیچیده با طرح های ازدیاد برداشت، بیش از پیش در برنامه ی کاری شرکت ملی نفت ایران قرار خواهد گرفت، ضرورت انجام این تمهیدات، در راستای تداوم مستمر فعالیت های توسعه ای میدانی نفت و گاز کشور را امری اجتناب ناپذیر می کند. تمهیدات و اقدامات اصلاحی پیشنهادی عمدتاً در راستای اصلاح ساختار و ساماندهی جدید برخی فعالیت های مرتبط با این گونه طرح ها در شرکت ملی نفت ایران، و برخی دیگر از این تمهیدات در مورد انجام تغییراتی در قراردادهای بیع متقابل (به همان صورتی که تاکنون نیز انجام شده است) بوده است.

۷- موازین قانونی و ویژگی های قراردادهای توأم اکتشاف و توسعه

نخستین چارچوب قانونی مرتبط با نسل دوم قراردادهای خدماتی خطر پذیر، در بند «ف» تبصره ۲۱ قانون بودجه ی سال ۱۳۸۲ کل کشور، و در راستای اجرای ماده ۸۵ و ماده ۱۲۲ قانون برنامه ی سوم توسعه ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تعریف شده است: در اجرای مواد ۸۵ و ۱۲۲ قانون برنامه سوم توسعه ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، در سال ۱۳۸۲ به شرکت ملی نفت ایران اجازه داده شده است که در مناطق کشور از جمله مناطق مکران، طبس، سیستان، جازموریان، مغان، به استثنای خزر (که بر اساس قانون خود، عمل خواهد شد)، استان های خوزستان، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد و بوشهر که با ریسک پیمانکار عملیات اکتشافی صورت پذیرد و میدان کشف شود، با تصویب شورای اقتصاد تا سقف یک میلیارد دلار و پس از آن و با مبادله موافقت نامه با سازمان مدیریت و برنامه ریزی، می تواند مرحله توسعه را همراه با اکتشاف و با عقد قرارداد با پیمانکار، به صورت بیع متقابل شروع کند. پس از پایان اکتشاف، اگر میدان تجاری در منطقه پیدا نشده باشد، قرارداد خاتمه خواهد یافت و طرف قرارداد حق دریافت هیچ گونه وجهی را نخواهد داشت. در این مجوز، شرکت ملی نفت ایران می تواند انجام عملیات اکتشافی در مناطق خاصی از کشور را بر اساس این نوع قرارداد به انجام رساند. این امر در حالی است که در قراردادهای اکتشافی، محدوده عملیات اکتشافی در برخی از قراردادها مشخص نشده است و تنها شرایط انجام فعالیت مبنی بر انجام اکتشافات، اثبات تجاری بودن میدان، و در نهایت، ادامه طرح توسعه توسط پیمانکار اکتشافی، در صورت موافقت شرکت ملی نفت ایران به عنوان کارفرما، مطرح شده است. در قراردادهای اکتشافی، هیچ گونه الزامی مبنی بر انعقاد قرارداد توسعه توسط شرکت ملی نفت ایران با پیمانکار اکتشافی وجود ندارد. (خالقی، ۱۳۹۶، صص ۵۳-۵۴) اما بر اساس بند «ف» تبصره ۲۱ قانون بودجه ی سال ۱۳۸۲، در صورت تجاری شدن میدان، شرکت ملی نفت ایران

بایستی قرارداد توسعه‌ی آن میدان را با پیمانکار اکتشافی منعقد کند. به عبارت دیگر، بر اساس این مجوز، در صورت موفقیت مرحله‌ی اکتشاف، دوره‌ی فعالیت پیمانکار اکتشافی در کشور میزبان (ایران) به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش خواهد یافت.

۸- قراردادهای بیع متقابل نفت و گاز مرتبط با قراردادهای توأم اکتشاف و توسعه

از آنجا که بهره‌گیری از قراردادهای خدماتی کاملاً خطرپذیر در فعالیت‌های اکتشافی، همواره از ریسک بسیار بالایی برخوردار است. از طرف دیگر، دوره‌ی فعالیت پیمانکار در کشور میزبان نیز بسیار کوتاه است. این مسئله بر تمایل سرمایه‌گذاران خارجی و به عبارتی، جریان سرمایه‌گذاری خارجی در این بخش، تأثیر منفی قابل ملاحظه‌ای داشته است. بر اساس شرایط جدید، قراردادهای مربوط به «اکتشاف» و «توسعه» میادین نفت و گاز، تنها در قالب یک قرارداد «اکتشاف و توسعه» و با نام قرارداد خدماتی «اکتشاف و توسعه»، و شامل دو مرحله فعالیت «اکتشاف» و «توسعه» منعقد و اجرا می‌شوند. در این مرحله، طرح جامع اکتشاف (MEP)^۴ بایستی توسط پیمانکار تهیه شود، و هرگونه تغییر در MEP ضرورت با تأیید کمیته‌ی مدیریت مشترک (JMC) و شرکت ملی نفت ایران به عنوان کارفرما، صورت می‌گیرد. در مرحله‌ی اکتشاف، حداقل هزینه‌های اکتشافی که باید توسط پیمانکار انجام شود، در قرارداد مشخص شده است و پیمانکار موظف به هزینه‌کردن حداقل ارقام هزینه‌های تعیین شده در قرارداد می‌باشد مگر آنکه قبل از هزینه‌کردن کامل آن، «حداقل تعهدات اکتشافی» انجام گرفته باشد یا پیمانکار موفق به کشف میدان تجاری شده باشد. پس از انجام فعالیت‌های اکتشافی و ۹۰ روز پس از اکتشاف چاه تجاری، پیمانکار موظف است طرح جامع توصیف (MAP)^۵ را تهیه کند و برای تصویب به شرکت ملی نفت ایران (کارفرما) تحویل دهد. در راستای اثبات تجاری بودن میدان، هزینه‌های مراحل اکتشاف و توصیف، و هزینه‌های قابل انتظار برای توسعه‌ی میدان، شامل هزینه‌های سرمایه‌ای، غیرسرمایه‌ای، بانکی، و دستمزد پیمانکار و همچنین هزینه‌های عملیاتی تولید از یک طرف، و از طرف دیگر درآمدهای ناشی از فروش کلیه‌ی هیدروکربورهای کشف شده‌ی میدان طی یک دوره ۲۰ ساله با قیمت توافقی بین شرکت ملی نفت ایران و پیمانکار (در صورت عدم توافق بر اساس قیمت‌های اعلام شده توسط منابع معتبر بین‌المللی مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. سپس ارزش فعلی خالص درآمدها و هزینه‌های طرح بانرخ تنزیل معمولاً ۲۰ درصد برآورد خواهد شد. در صورتی که ارزش فعلی خالص درآمدها و هزینه‌های طرح مثبت باشد، آن میدان تجاری شناخته می‌شود. در مرحله توسعه میادین، پس از اثبات تجاری بودن میدان، پیمانکار موظف است حداکثر طی چهار ماه، برنامه جامع توسعه (MDP) را تهیه و برای تصویب به شرکت ملی نفت ایران (کارفرما) ارائه نماید. سقف هزینه مورد نیاز مرحله‌ی توسعه توسط پیمانکار پیشنهاد می‌شود، و این مبلغ پس از بررسی‌های لازم، به تصویب شرکت ملی نفت ایران می‌رسد. افزایش سقف هزینه مصوب،

^۴ Master Exploration Plan (MEP)

^۵ Master Appraisal Plan (MAP)

تنها در صورت تغییر در MDP و تأیید و تصویب کمیته ی مدیریت مشترک (JMC) و شرکت ملی نفت ایران امکان پذیر خواهد بود. (خالقی، ۱۳۹۶، صص ۵۶-۵۷)

۹- پیشنهادات به وزارت نفت جهت بهبود و اصلاح قراردادهای بیع متقابل نفت و گاز

ارتقای توانمندی شرکت ملی نفت ایران در انجام مطالعه ی مستقل و جامع مخزن، برای آماده سازی اولیه یا تأیید نهایی طرح جامع توسعه (MDP) و یکی از وظایف شرکت ملی نفت ایران در راستای انجام صحیح یک طرح در چارچوب قراردادهای بیع متقابل، تصویب برنامه های پیشنهادی از طرف شرکت طرف قرارداد برای توسعه یا تولید میادین نفتی توسط شرکت ملی نفت ایران است. لازمه انجام چنین امری توسط شرکت ملی نفت ایران، وجود توانمندیهای تخصصی و مهندسی در بخش مخزن و تولید است. یکی از تمهیدات پیشنهادی در این راستا، ناظر بر تهیه طرح جامع توسعه (MDP) طرح های توسعه ای توسط شرکت ملی نفت ایران به عنوان کارفرما می باشد. انجام این امر می تواند در اعمال حق قراردادی شرکت ملی نفت در تصویب شرح کار اولیه و پیشنهاد یا تصویب هرگونه تغییر بعدی در آن (که در قراردادهای فعلی نیز کاملاً وجود دارد) و تهیه طرح جامع توسعه یک مخزن توسط پیمانکار و تأیید و تصویب آن توسط شرکت ملی نفت ایران کمک نماید (از طریق بررسی موشکافانه MDP تهیه شده)، به طور کلی نیایستی از نظر کیفی اختلاف قابل ملاحظه ای با موضوع «تهیه ی MDP توسط شرکت ملی نفت ایران و تصویب و تأیید آن توسط شرکت طرف قرارداد» داشته باشد، زیرا در هر دو صورت، نظارت تامه و کامل با شرکت ملی نفت ایران خواهد بود. به نظر می رسد که با در نظر گرفتن بررسیهای هزینه فایده، انتخاب هر یک از روشهای فوق الذکر برای نهایی نمودن طرح جامع توسعه ی مخزن (MDP) بلااشکال باشد، اما این واقعیت همواره بایستی مدنظر قرار گیرد که در هر دو صورت، وجود نیروهای متخصص و کارآمد مهندسی مخزن در اجرای هر یک از پیشنهادات فوق الذکر غیرقابل اجتناب است. بنابراین، در صورت عدم وجود چنین پتانسیل های انسانی کارآمد، انتخاب روش اول پیشنهادی «تهیه ی MDP توسط شرکت ملی نفت ایران» نیز نمی تواند بر کارایی طرح های بیع متقابل بیفزاید یا مشکلات احتمالی عملیاتی آن را در بلندمدت تضمین نماید.

تاکنون در طرح های بیع متقابل، ابتدا سقف هزینه ای سرمایه گذاری اولیه (Capex) تعیین می گردید و سپس شرکت پیمانکار از طریق برگزاری مناقصه، انتخاب می شد. اما با توجه به نوسانات شدید بازار، به ویژه بازار کالا و تجهیزات مرتبط با طرح های نفت و گاز، این امر همواره به دلیل عدم تکافوی هزینه پیش بینی شده در برنامه و قرارداد برای تکمیل و اجرای طرح، مشکلاتی را به همراه داشته است (تعدیل هزینه های طرح). علاوه بر این، پیمانکاران فعال در این گونه طرحها نیز، به دلیل وجود واقعیت های فوق الذکر در راستای کاهش ریسک سرمایه گذاری، نرخ بازدهی بالاتری را در اجرای طرح ها مدنظر قرار می دادند. بر اساس پیشنهادات ارائه شده، تعیین سقف Capex پس از انجام مناقصه و دریافت پیشنهادات پیمانکاران، انجام خواهد شد. این امر موجب می شود که ضریب اطمینان انجام طرح، با هزینه های پیش بینی شده ی اولیه افزایش یافته و از

طرف دیگر، سقف پر بازدهی سرمایه برای پیمانکار نیز کاهش یابد. در این فرایند پیشنهادی، در ابتدا انجام طرح به روش بیع متقابل توسط شورای اقتصاد مورد تأیید قرار می‌گیرد و سپس، پس از تعیین سقف Capex از طریق انجام مناقصه، طرح برای تصویب نهایی به شورای اقتصاد ارائه خواهد شد. بنابراین، لازمی انجام و تحقق چنین روش و پیشنهادی، پذیرش این روش از سوی شورای اقتصاد خواهد بود. (خالقی، ۱۳۹۶، صص ۱۱۰ و ۱۱۱)

یکی از نکاتی که عمدتاً در قراردادهای بیع متقابل مورد نقد قرار می‌گیرد، عدم توجه به تولید صیانتی و افزایش ضریب بازیافت توسط پیمانکار است. در بررسی‌های انجام شده توسط دفتر فناوری ریاست جمهوری، این امر بدین گونه بیان شده است که «قراردادهای بیع متقابل، برای مراحل تولید، توسعه و افزایش بازیافت از نظر حقوقی مناسب نمی‌باشند، زیرا اساس بیع متقابل با تولید حمایتی از میادین نفتی سختی ندارد و با توجه به مطالب مذکور، به نظر می‌رسد که فلسفه بهره‌گیری از قراردادهای بیع متقابل که دارای ماهیتی کوتاه مدت و میان مدت هستند (حداکثر ۶-۵ سال برای دستیابی به توسعه کامل میدان)، تنها برای انجام برنامه‌های توسعه‌ای اولیه است، نه الزوماً مدیریت مخزن از طریق مکانیزم‌های صیانتی مناسب و در راستای حفظ سطح تولید و افزایش سطح تولید. بنابراین، ضروری است شرکت ملی نفت ایران از طریق ایجاد سازمان مهندسی و تخصصی مدیریت مخازن، صیانت از منابع نفت و گاز کشور را به طور مستمر برعهده گیرد. بنابراین، نه تنها قراردادهای توسعه‌ای بیع متقابل، بلکه هیچ نوع قرارداد توسعه‌ای دیگری که بر اساس یک دوره کوتاه مدت ۶-۵ ساله تعریف شده باشد، نمی‌تواند مسئولیت صیانت از منابع نفت و گاز یک کشور را برعهده گیرد. (خالقی، ۱۳۹۶، صص ۱۱۲ و ۱۱۳)

همچنین لازم است که در قراردادهای منعقد، امکان تصمیم‌گیری و توافق کارفرما و پیمانکار منطبق با مراحل جدید، میسر باشد. همچنین، در شرایطی که موضوع افزایش ضریب بازیافت میادین جدید یا موجود مطرح باشد، لازم است که امکان تصمیم‌گیری و توافق طرفین در مراحل گوناگون ممکن، و در قرارداد منعقد پیش‌بینی گردد. یکی از پیشنهاداتی که در راستای صیانت از منابع نفت و گاز مطرح می‌شود، نظارت مستمر بر تولید نفت و گاز توسط پیمانکار است. در راستای تحقق این مسئله، ایجاد کمیته‌ی نظارت بر تولید با حضور نمایندگان از پیمانکار اولیه قرارداد بیع متقابل در توسعه‌ی میدان (بدون داشتن حق حاکمیت و دخالت) پیشنهاد می‌شود. تحقق چنین پیشنهادی بدون فراهم نمودن مشوق‌های مناسب و کافی برای پیمانکار یک طرح، امکان‌پذیر نیست. اما ایجاد سازمان مهندسی و تخصصی مدیریت مخزنی، که به آن اشاره گردیده است، در صورت پیگیری مؤثر و مستمر، می‌تواند راهگشای مشکل فوق باشد.

با بررسی اصول قانون اساسی و سیاست های جمهوری اسلامی ایران که از بدو انقلاب آن ها را دنبال می کرد، به این موضوع می رسیم که اعمال حاکمیت بر صنایع نفت و گاز انحصارا در اختیار دولت قرار گرفته و هیچ نوعی تسلطی از طرف سایر طرف ها یا سرمایه گذاری خارجی در این صنعت وجود ندارد. از این نظر تنها قراردادی که می تواند امتیازات، سطح تولید، مشارکت و دسترسی و سایر موارد را به شیوه احسن تضمین کند، قراردادهای بیع متقابل می باشد. همین قراردادها بر اساس قانون ایران بهترین شیوه حفظ منافع ملی و سلطه دولت بر نفت و گاز و از طرف دیگر امکان حضور سرمایه گذار خارجی در این صنعت را فراهم می سازد. طرف مذاکره دولت ایران (عمدتا شرکت نفت) همواره سعی می کند اصول و سیاست های نظام را در قراردادهای نفت و گاز با طرف های خارجی اعمال کند و طرف مقابل هم با این پیش زمینه که قوانین دولت ایران در این عرصه محدود می باشد، اقدام به بیع متقابل با ایران می کند که البته بعد ها مشکلاتی را برای ایران به وجود می آورد. محدودیت های ناشی از قوانین ایران در انعقاد قراردادهای بیع متقابل بیشتر از آنکه بر رویه قراردادی آن تاثیر بگذارد، بر توافقات طرفین اثر سوء می گذارد. در این زمینه باید علاوه بر مشکل قانونی، عدم اعمال رویه صحیح اداری، ضعف مدیریتی، مشکل زبان انگلیسی، عدم به کارگیری متخصص کارآمد نفت و گاز و... را باید افزود که بر بیع متقابل نفت و گاز ایران تاثیرگذار می باشد و بدیهی است که بر رویه ها و سیاست های نفتی و گازی ایران هم اثر گذار است. به نظر می رسد مشکل ریشه ای در این حوزه، قوانین ایران باشد که محدودیت های فراوانی را ایجاد می نماید و به قولی دست و پای هر دو طرف را برای ایجاد قرارداد بهتر می بندد. اصلاح قانون ایران در این حوزه باید مدنظر سیاستگذاران باشد. قراردادهایی که مطابق قوانین ایران منعقد می شوند به نوعی عقیم و بعضا غیر قابل اجرا می شوند چراکه بیشتر منافع ایران را مدنظر قرار می دهند تا اینکه کمترین توجهی را به منافع سرمایه گذار خارجی و سود و زیان او داشته باشند. یعنی به نوعی نگاه و سلطه یکجانبه از طرف ایران وجود دارد که از منظر اصول تجارت بین الملل هم صحیح نمی باشد. مسئله دیگر هم مدنظر قراردادن سیاست های خارجی ایران بر این نوع از قراردادها می باشد. درست است که کشورها سیاست های خود را بر قراردادهای نفتی خود به نوعی اعمال می کنند ولی باید توجه داشت که روند حقوقی - تجاری این نوع قراردادها توأم با ماهیت بین المللی آن نباید مورد بی توجهی واقع شود. سیاست های ایران در حوزه نفت و گاز باید بر عرصه جهانی تاثیرگذار بوده و نوعی تداعی کننده روند حقوقی - تجاری این نوع از قراردادها را به دنیا نشان دهد نه سیاست زدگی قراردادهای نفتی. البته قابل درک است که تحریم های امریکا علیه ایران از جمله تحریم صنعت نفت بر این روند تاثیر گذار است ولی می توان با سیاست های نفتی صحیح توأم با توجه به ماهیت حقوقی و تجاری آن ها، قرارداد بیع متقابل قابل توجهی را با طرف های خارجی انعقاد کرد که این روند باید از داخل کشور و با اصلاح قوانین همراه باشد. البته قانون نفت مصوب ۱۳۹۰ نقطه عطفی در این حوزه محسوب می شود که نسل چهارم قراردادهای نفتی را رقم زده و راه را برای انعقاد چنین قراردادهایی باز کرده است که سرمایه گذاران خارجی در تولید هم می توانند مشارکت کرده و حضور کوتاه مدت را به حضور بلند مدت تبدیل کنند.

- ۱- انصاری، ولی الله (۱۳۹۲)، کلیات حقوق اداری، چاپ دوم، تهران، نشر دانش نگار.
- ۲- پیران، حسین (۱۳۹۳)، مسائل حقوقی سرمایه گذاری بین المللی، چاپ دوم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- ۳- خالقی، شهلا (۱۳۹۶)، بیع متقابل در صنعت نفت و گاز ایران، چاپ دوم، تهران: انتشارات هزاره سوم.
- ۴- سراج، نرگس (۱۳۸۸)، نقش قراردادهای بیع متقابل در صنعت نفت و گاز ایران در جلب و جذب سرمایه گذاری خارجی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۵- شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۴)، حقوق تجارت بین الملل، چاپ هشتم، تهران: انتشارات سمت.
- ۶- صالحی، علی اکبر (۱۳۹۵)، ماهیت حقوقی بیع متقابل در صنعت نفت و گاز و مقایسه آن با نهادهای حقوقی مشابه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه باهنر کرمان.
- ۷- صفایی، حسین (۱۳۹۳)، مباحثی از حقوق بین الملل خصوصی، چاپ سوم، نشر میزان.
- ۸- مجموعه نظریات شورای نگهبان (۱۳۸۱)، چاپ اول، مرکز تحقیقات شورای نگهبان.

- ۹- Bindemann, Kirsten (1999), "Production Sharing Agreements: An Economic Analysis", Oxford Institute For Energy Studies, October.
- ۱۰- Forker(1990), Accepting Soviet Goods in Countertrade: Problems with Product Quality, 26(2) Journal of Purchasing and Materials Management, March 22.
- ۱۱- Hennart, Jean-Francois(1990), Some Empirical Dimensions of Countertrade, Journal of International Business Studies.
- ۱۲- International Trade Finance(1989), IDB Sets up Countertrade Fund, International Trade Finance, 20.
- ۱۳- McVey, Thomas(1980), Countertrade and Barter: Alternative Trade Finance by Third World Nations, 6 International Trade Law Journal.
- ۱۴- OECE(1981), East-West Trade: Recent Development in Countertrade, OECD, France.
- ۱۵- Prespective, Future "(2007), Contracts: Post, Present& Petroleum Iranian W.A, "The 2 Otman, O.G.E.1(Oil.Gas&Energy Law Intelligence) Vol 5, Issue 2, April.
- ۱۶- Shiravi, Abdolhossein and S.N. Ebrahimi(2006), Exploration and Development of Iran Oilfields through Buyback, 30 Natural Resources Forum